



اگر از احادیث بهره گرفته نشود، قلب‌ها را زنگ (زنگار) می‌گیرد. وقتی قلب انسان را زنگ گرفت، انسان در معرض خطر قرار می‌گیرد. حدیث: «إِنَّ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَلْفَ عَقَبَةٍ، أَوْهُونَهَا وَأَيْسَرُهَا الْمَوْتُ»؛ بین دنیا و آخرت هزار عقبه است که راحت‌ترین آنها مرگ است.

درباره حساب، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا فَإِنَّ أَمَكِنَةَ الْقِيَامَةِ خَمْسُونَ مَوْقِعًا كُلُّ مَوْقِفٍ مَقَامٌ أَلْفَ سَنَةٍ؛ ثُمَّ ثَلَاثَةُ أَلْفَةٍ فِي يَوْمٍ كَانَ مَقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ».

شما محاسبه خود را در دنیا تمام کنید. اگر در دنیا محاسبه تمام نشود، دچار محاسبه کثیر آخرت می‌شوید. خصوصیت محاسبه دنیا، قلیل بودنش است. وقت کمی را در بر می‌گیرد. پس وقتی انسان در دنیا توبه می‌کند و بازگشت می‌کند، دیگر در محاسبه طولانی آخرت گرفتار نمی‌شود؛ لذا حضرت می‌فرماید: قبل از اینکه در قیامت مورد محاسبه قرار بگیرید، در دنیا به حساب خود رسیدگی نمایید؛ چون در قیامت پنجاه موقف است که هر موقف آن، هزار سال از این سال‌های دنیاست. قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله أَتَيْتُكُمْ بِأَكْبَسِ الْكَيْسَيْنِ وَ أَحَقَقِ الْخُمْقَاءَ؛ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَبَا آكَاهَ كُنْمَ شَمَا رَا بِهِ زَبْرِكَ تَرَيْنَ زَبْرِكَا وَ أَحَمَقُ تَرَيْنَ أَحْمَقُ تَرَيْنَ أَحْمَقُهَا؟ أصحاب گفتند: بلی! «قَالَ أَكْبَسُ الْكَيْسَيْنِ مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَ أَحَقَقَ الْخُمْقَاءَ مَنْ اتَّبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهُ وَ تَمَيَّنَّ عَلَى اللَّهِ الْأَمَانُ»؛ زبرک‌ترین افراد کسی است که محاسبه کند، نفس خود را در دنیا و عمل کند، برای بعد از موت خود.

اما احمق‌ترین احمق‌ها کسی است که متابعت کند، هوا و هوس خود را؛ درحالی‌که قرآن می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»؛ اگر بخواهید به بهشت برسید، بدون مخالفت هوای نفس امکان ندارد.

• **چگونه محاسبه کنیم؟**

« فَقَالَ الرَّجُلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ كَيْفَ يُحَاسِبُ الرَّجُلُ نَفْسَهُ؟ قَالَ: إِذَا أَصْبَحَ ثُمَّ أَمْسَى رَجَعَ إِلَى نَفْسِهِ وَ قَالَ: يَا نَفْسُ! إِنَّ هَذَا يَوْمٌ مَضَى عَلَيْكَ لَا يَعُودُ إِلَيْكَ أَبَدًا وَ اللَّهُ سَائِلُكَ عَنْهُ فِيمَا أَفْتَنَيْتَهُ فَمَا أَلَذِي عَمِلْتَ فِيهِ»؛ مردی سؤال کرد: ای پیشوای مؤمنین! چگونه انسان نفس خود را محاسبه کند؟ حضرت فرمود: وقتی روز را شب می‌کند، در شب مراجعه به نفس خود کند و خطاب نماید: ای نفس! این روز، گذشت و شب شد و هرگز برگشت ندارد؟ خداوند سؤال می‌کند: این روز را در چه چیزی فانی کردی و چه عملی انجام دادی؟ «أَذْكَرْتَ اللَّهُ أَنَّهُ خَمْدَتِيهِ أَقْصَيْتَ حَقَّ أَحْ مُؤْمِنٍ أَنْقَشْتَ عَنْهُ كَرْهَتَهُ أَحْفَظْتَنِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ فِي أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ أَحْفَظْتَنِيهِ بَعْدَ- الْمَوْتِ فِي مُحَلِّفِيهِ أَكْفَمْتُ عَنْ غَيْبَتِهِ أَحْ مُؤْمِنٍ بِفَضْلِ جَاهِكِ أَتَعْنَبُ مُسْلِمًا مَالِدِي صُنْعَتِ فِيهِ فَيَذْكُرُ مَا كَانَ مِنْهُ فَإِنَّ ذَكَرَ اللَّهُ جَرَى مِنْهُ خَيْرٌ خَمْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَثَرَهُ عَلَى تَوْفِيقِهِ»؛

شب وقت محاسبه از نفس خود سؤال کن، آیا ذکر و حمد خدا را در این روز کردی؟ آیا حق برادر مؤمن خود را ادا کردی؟ آیا از برادر مؤمن خود گرفتاری را برطرف کردی؟ آیا در غیاب برادر مؤمن به اهل و عیال او رسیدگی نمودی؟ و بعد از مرگ او اموال و دارایی او را حفظ کردی و خیانت نکردی؟ آیا برای حفظ برادر مؤمن خود از آبروی خود مایه گذاشتی؟ آیا مسلمانی را اعانت نمودی؟ باز یادآور شو که در این روز چه کاری انجام دادی؟ آن کارهای که انجام دادی، متذکر شو! اگر یادآور شدی که کار خیر از تو سر زده است، حمد خداوند عزوجل را به جا آور و خداوند را برای توفیق بیشتر تکبیر بگو!

«وَ إِنْ ذَكَرَ مَعْصِيَةً أَوْ تَقْصِيرًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَزَمَ عَلَى تَرْكِ مُعَاوَذَتِهِ وَ مَحَا ذَلِكَ عَنْ نَفْسِهِ بِتَجَدِيدِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْقَلِيلِينَ وَ عَزَى نَيْغَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَلَى نَفْسِهِ وَ قَبُولَهَا وَ إِعَادَةَ لَعْنِ شَانِيَةِ وَ أَغْدَائِهِ وَ دَافِعِيهِ عَنْ حَقُوقِهِ؛ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَنْتُ أَتَأْكُشْكُ فِي شَيْءٍ مِنْ الدُّنُوبِ مَعَ مُوَالَيْكَ أَوْ لِيَالِيهِ وَ مُعَادَا تِكِ أَغْدَائِهِ»؛

یعنی اگر دیدی که روز گذشته معصیت خداوند از تو سر زده است و تقصیر نمودی، استغفار کن و عزم را جزم کن بر ترک آن معصیت و به‌واسطه ذکر صلوات بر محمد و آل او علیهم السلام و تجدید بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام، آن گناه را از خود محو کن و همچنین به دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام که حق او را غصب کرده‌اند، لعن کن؛ وقتی این کار را کردی، خداوند عزوجل می‌فرماید: در این گناهی که کردی، باتو مجاهده نمی‌کنم؛ چون تو اولیاءه و دوستان مرا دوست می‌داری و دشمنان مرا دشمن می‌داری؛ یعنی به دو فرع از فروع دین که تولاّء و تبرّاء می‌باشد، عمل نمودی!

از این حدیث آخر این مطلب استفاده می‌شود که گناه و معصیت، انسان را از ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خارج می‌کند؛ چون روایت دارد که گناه را از خود با ذکر صلوات و تجدید بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام، محو کن! بیعت آن حضرت را مجدداً بر خود عرضه بدار! پس وقت معصیت و گناه انسان از بیعت آن حضرت خارج می‌شود؛ چون تجدید بیعتی که رسول‌اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد، دلیل بر این است که بیعت قبلی اگر داشته، به‌واسطه گناه از بین رفته است.

مطلب دیگری که در روایت است، این است که با ذکر صلوات بر محمد وآل محمد صلی الله علیه و آله، گناه را از خود محو کن! در روایات کثیری آمده‌که ذکر صلوات باعث غفران گناهان می‌شود.

منبع: تصاحیح اخلاقی، آیت‌الله محقق کابلی رحمته الله علیه، ص ۲۴۳

• **پی‌نوشت‌ها**

۱. من لایحضره الفقیه، الصدوق (۱۸۰۱/۳۶۲)، دارالکتب الإسلامیة، طهران؛
۲. سفینة البحار، ج۱، ص۱۷۳؛
۳. معارج، آیه۴؛
۴. بحار، ج۶۷، باب ۴۰، حدیث ۱۶، ص۶۹؛
۵. سفینة البحار، ج۲، ص۱۷۴؛
۶. نازعات، آیه۴؛
۷. سفینة البحار، ج۲، باب جاء، ص۱۷۴؛
۸. همان؛
۹. سفینة البحار، ج۲، باب جاء، ص۱۷۴؛

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران که در تاریخ تحولات این انقلاب کاملاً مشهود بوده و آن را متمایز از هر انقلاب دیگری ساخته است، مبارزه همزمان آن با سلطه داخلی و خارجی بود که از سلطه داخلی تحت عنوان استبداد و سلطه خارجی تحت عناوینی همچون استعمار، سلطه و بااکنش می‌توان یاد کرد که آمریکا نماد اصلی آن می‌باشد؛ به‌طور کلی آغاز نهضت امام خمینی علیه السلام از سال ۱۳۴۱ رنگ و بوی قوی ضد استکباری و آمریکاستیزانه داشت. اگرچه اولین مراحل قیام امام خمینی علیه السلام با واکنش نسبت به طرح‌هایی همچون مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید شاه بود؛ لکن همین طرح‌های به‌ظاهر داخلی نیز در راستای طرح‌های آمریکایی بود. در واقع طرح انقلاب سفید شاه، الگویی بود در راستای دکترین «اتحاد برای پیشرفت» که توسط کندی طراحی شده بود و تلاش داشت تا در فضای تخصص دو قطبی جهان، جلوی خطر افتادن در دام کمونیسم را بگیرد و مانع از شکل‌گیری جنبش‌های قوی ملی و کمونیستی در آن کشورها گردد و آنها را در دامان آمریکا نگه دارد که ایران را هم شامل می‌شد؛ چنانکه والت روستو از طراحان و نظریه‌پردازان این طرح، یکی از کشورهایی را که طرح باید در آن اجرا می‌شد، ایران دانسته و می‌گوید: « اکنون که این رساله را در دست تألیف دارم، نه به ایالات متحده آمریکا؛ بلکه به جاکارتا، رانگون، دهلی نو، کراچی، تهران، بغداد و قاهره می‌اندیشم.»<sup>۱</sup> البته اوج مرحله اول قیام امام خمینی علیه السلام را می‌توان در واکنش شدید ایشان به ماجرای کاپیتولاسیون جستجو کرد که بُعد استکبارستیزی و ضد آمریکایی آن کاملاً مشهود بود و اساساً این مرحله از قیام امام خمینی علیه السلام بیش از اینکه رژیم را نشانه گرفته باشد، آمریکا را مورد هدف قرار داده بود و این مسئله تا جایی برای رژیم و اربابان آن سنگین بود که حاضر به تحمل ایشان در داخل کشور نشده و بلافاصله اقدام به دستگیری و تبعید ایشان نمود. با این حال موضوع استکبارستیزی و آمریکاستیزی هرگز از برنامه‌های قیام امام خمینی علیه السلام حذف نشده و ایشان در کنار مبارزه با استبداد همواره بر این بعد مبارزاتی خویش نیز تأکید می‌کردند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت: استکبارستیزی انقلاب اسلامی تحت رهبری ایشان، نه یک تاکتیک مقطعی؛ بلکه یک استراتژی بود که در تمام مراحل انقلاب و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تا به امروز مشهود می‌باشد.

در همین زمینه دلایل متعددی را می‌توان اقامه کرد که حاکی از این است که سیاست استکبارستیزی در قاموس امام خمینی علیه السلام، یک اصل بنیادین بوده و مربوط به مقطع خاصی نبوده است که از جمله این دلایل عبارتند از:

۱. ماهیت استکبارستیزانه انقلاب اسلامی ایران؛ به‌عبارت دیگر هر انقلابی مبتنی بر برخی اصول و ارزش‌هاست که گاه از آن تحت عنوان ایدئولوژی آن انقلاب یاد می‌شود که همین امر، موضع‌گیری‌های آن انقلاب را در قبال موضوعات مختلف نشان می‌دهد؛ چنانکه تمایل و وابستگی عمده انقلاب‌ها به‌بلوک‌های قدرت جهانی و در واقع پذیرش سلطه این بلوک‌ها ریشه در این ایدئولوژی داشت. در این میان انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر ایدئولوژی خاصی بود که در ذات خود، علاوه بر استبداد داخلی، نفی هرگونه سلطه خارجی جزء اصول تغییرناپذیر آن بود؛ به‌عبارت دیگر این ایدئولوژی مبتنی بر آموزه‌های دین مبین اسلام بود که نفی هرگونه سلطه‌ای اعم از سلطه داخلی و سلطه خارجی در آن نقش برجسته‌ای داشت؛ به‌عنوان مثال باید به‌یکی از اهداف بعثت انبیاء اشاره کرد که بر اساس آموزه‌های دینی عبارت بود از «اجتناب از طاغوت» و طاغوت نیز اصطلاحی است که قابل اطلاق بر مستبدان داخلی و مستکبران خارجی می‌باشد. همچنین باید به آیه‌ای<sup>۲</sup> اشاره کرد که فقهای شیعه در طول تاریخ از آن، قاعده‌ای تحت عنوان قاعده نفی سبیل<sup>۳</sup>، استخراج کرده‌اند و در طول تاریخ در برابر هرگونه سلطه خارجی به استناد این قاعده واکنش نشان داده‌اند. نکته جالب توجه این است که حتی امام خمینی علیه السلام نیز در ابتدای پیامی<sup>۴</sup> که به‌منظور مخالفت خود با کاپیتولاسیون خطاب به روحانیون و ملت ایران صادر کرده بود، این آیه را مطرح کرده بود که نشانگر آن است که مخالفت ایشان با این موضوع، نه یک مخالفت تاکتیکی، مقطعی و گذرا؛ بلکه یک مخالفت ریشه‌دار و ثابت است که از اصول ثابت و مستدل دینی برخاسته و به‌همین جهت تعطیل‌بردار نمی‌باشد.

در هر صورت بررسی ریشه‌های اعتقادی و مبانی دینی انقلاب اسلامی ایران حاکی از این است که استکبارستیزی که نماد اصلی آن آمریکا می‌باشد، جزء اصول ثابت آن بوده است.

۲. مواضع و عملکرد ثابت و پایدار امام خمینی؛ به‌عبارت دیگر بررسی مواضع امام خمینی علیه السلام از ابتدای آغاز قیام تا پیروزی انقلاب اسلامی و نیز مواضع بعدی آن جملگی حاکی از این است که استکبارستیزی بخشی از ماهیت آن را تشکیل می‌داد؛ به‌عنوان نمونه بررسی تعابیر ایشان در قبال کاپیتولاسیون که در



## چرایی عدم سازش و ادامه مبارزه با استکبار و نظام سلطه؟

### چرما مبارزه با استکبار اصل ثابت انقلاب اسلامی است؟

گذشته نیز مورد اشاره قرار گرفت، حاکی از این است که مشکل ایشان با آمریکا و سایر کشورهای سلطه‌گر، رفتارهای این کشورها و خوی و خصلت سلطه‌جویانه، برتری‌طلبانه و استکباری آنهاست که باعث بدبختی و بیچارگی ملل مسلمان شده است و از این روی تا زمانی که این روحیه استکباری ادامه داشته باشد، قیام بر علیه وی نیز ادامه خواهد داشت. ایشان در این‌باره می‌فرماید: « دنیا بدانند که هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از اجانب است؛ از آمریکاست. ملل اسلام از اجانب عموماً و از آمریکا خصوصاً متضرر است. بدبختی دؤل اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آنهاست. اجانب‌اند که مخازن پرقیمت زیرزمینی ما را به یغما برده و می‌برند. انگلیس است که سالیان دراز طلای سیاه ما را با بهای ناچیز برده و می‌برد. اجانب‌اند که کشور عزیز ما را اشغال کرده و بدون مجوز از سه طرف به آن حمله کرده و سربازان ما را از پا درآورند. دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عُغال آن مبتلا بودند؛ امروز به چنگال آمریکا و عُغال آن! آمریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند. آمریکاست که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلم را آواره کند. آمریکاست که ولا را بی‌واسطه یا باواسطه، برملت ایران تحمیل می‌کند. آمریکاست که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند و می‌خواهد آنها را از جلو خود بردارد. آمریکاست که روحانیون را خار راه استعمار می‌داند و باید آنها را به حبس و زجر و اهانت بکشد. آمریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب‌نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند، تصویب و اجرا کنند. آمریکاست که با ملت اسلام معامله وحشی‌گری و بدتر از آن می‌نماید.»<sup>۵</sup>

همین رویه در سال‌های بعد و حتی دوران تبعید نیز ادامه یافت؛ به‌عنوان نمونه در یکی از پیام‌های امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۴۹ چنین آمده است: «اینجانب اعلام می‌کنم: هر قراردادی که با سرمایه‌داران آمریکا و دیگر مستعمرین بسته شود، مخالف خواست ملت و مخالف احکام اسلام است.»<sup>۶</sup>

در پیامی که در سال ۱۳۵۳ صادر فرموده اند، علاوه بر ملت ایران، ملت‌های مسلمان را نیز مخاطب قرار داده و بر مبارزه با آمریکا در کنار مبارزه با صهیونیسم چنین تأکید می‌کنند: «کلیه مسلمانان- به‌طور اعم- به‌ویژه رؤسای کشورهای اسلامی و رهبران کشورهای عربی وظیفه دارند که متحد شوند و با صفوف فشرده

و وحدت علیه استعمار و صهیونیسم پیکار کنند و بر منافع آمریکا ضربه وارد سازند.»<sup>۷</sup>

شواهدی از این دست که در صحیفه امام علیه السلام گردآوری شده است، به‌اندازه‌ای فراوان است که کمترین تردیدی باقی نمی‌گذارد که هدف‌گذاری امام خمینی علیه السلام در انقلاب اسلامی صرفاً محدود به مبارزه با استبداد نبوده و مبارزه با استعمار، استکبار و سلطه‌جویی یکی از اصلی‌ترین اهداف انقلاب اسلامی ایران به‌شمار می‌رفت؛ به‌طوری که شعار «نه شرقی نه غربی حکومت اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» تبدیل به یکی از اصلی‌ترین شعارها و خواست مردم شد که معنای آن این بود که ملت ایران همان‌گونه که حاضر نیستند، سلطه غربی را بپذیرند، سلطه شرقی را نیز نمی‌پذیرند و انقلاب ایران، به‌معنای واقعی کلمه یک «جنبش عدم تعهد» می‌باشد. چنین طرز فکر و اصولی کاملاً مغایر با طرز تفکری بود که معتقد بود بهتر است، تنها با استبداد مبارزه شده و کاری به کار آمریکا و به‌طورکلی نظام سلطه و استکبار نداشته باشیم؛ چنانکه شهید مظلوم دکتر بهشتی نیز به این موضوع این‌گونه اشاره می‌کنند: «یک نوع تفکر این بود که ما باید لبه تیز مبارزه را متوجه استبداد داخلی بکنیم و به استعمار خارجی فعلاً کاری نداشته باشیم، گفتگو کنیم، قانع‌شان کنیم که به صلاح و صرفه آنها نیست که استبداد را در ایران حمایت کنند، دست حمایتشان را از سر این استبداد بردارند و مطمئن هم باشند که ما مبارزان، خیلی سر به سر استعمارگران نخواهیم گذاشت. لیبرال‌ها در ایران سبیل این طرز تفکر بوده، هستند و خواهند بود... یک طرز فکر دیگر در مقابل این قرار داشت و آن طرز فکر این بود که نه آقا! استعمار و استبداد دستشان در گردن هم است. مبارزه با استبداد از مبارزه با استعمار جدایی‌ناپذیر است.»<sup>۸</sup>

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز اگرچه روابط ایران و دولت انقلابی ایران با کشورهای آمریکا، شوروی و سایر کشورهای نظام سلطه ادامه داشت؛ اما رهبران انقلاب اسلامی همچنان بر بعد استکبارستیزی انقلاب اسلامی ایران تأکید داشتند؛ به‌همین جهت استکبارستیزی وارد اصول سیاست خارجی کشور شده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز متجلی شد؛ چنانکه اصول ۱۵۲ تا ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شاهدهی بر این مدعاست.<sup>۹</sup> همچنین به‌دلیل همین رویه استکبارستیزانه انقلاب اسلامی ایران بود که با ورود دانشجویان پیرو خط امام به سفارت‌خانه آمریکا و تسخیر آن و به دنبال آن برملا شدن نقش آفرینی آمریکا در توطئه‌های مختلفی که در کشور جریان داشت، رهبران انقلاب و به‌ویژه امام خمینی علیه السلام از آن حمایت کرده و حتی آن را همچون انقلاب خواندند که بزرگتر از انقلاب اول است.<sup>۱۰</sup> پس از قطع رابطه یک‌جانبه آمریکا با ایران، حضرت امام خمینی علیه السلام نیز با صدور پیامی این ماجرا را به‌فال نیک گرفت و اعلام نمود: اگر ملت ایران به‌خاطر این ماجرا جشن بگیرند، حق دارند.<sup>۱۱</sup>

۳. رفتارشناسی سرمداران نظام استکبار، یکی از راه‌های تحلیل نسبت هر انقلابی با بازیگران بین‌المللی به‌ویژه نظام سلطه، بررسی واکنش‌های این بازیگران به رخدادهای انقلاب و نیز نوع تعامل آن با این انقلاب می‌باشد. از طرفی با بررسی این مؤلفه‌ها

در نسبت انقلاب اسلامی ایران با رفتارهای آمریکا و هم‌پیمانانش که ما به‌اختصار نام «نظام سلطه» و یا «استکبار جهانی» را بر آن می‌گذاریم، می‌توان دریافت، استکبار جهانی همواره نقش منفی در این نسبت داشته است؛ به‌طوری که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از هیچ تلاشی در جهت ممانعت از پیروزی انقلاب اسلامی ایران فروگذاری نکرد تا جایی که در آخرین اقدام، قصد انجام کودتا داشت که با هوشیاری ملت و رهبری حکیمانه امام خمینی علیه السلام در ساعت‌های آخر این توطئه خنثی شد و انقلاب اسلامی ملت ایران، با حضور مردم در صحنه به پیروزی رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز اگرچه آمریکا اعلام کرد: قصد دارد، بی‌طرفانه نظاره‌گر صحنه باشد؛ اما در پشت پرده توطئه‌های خود را برای سرنگونی نظام نوپای اسلامی آغاز کرد و همین رویه برانداژانه را تا به امروز ادامه داده است که بخشی از این توطئه‌ها عبارتند از: تجزیه‌طلبی، کودتاهای مختلف، تحریک صدام به جنگ بر علیه ایران و حمایت‌های همه‌جانبه از آن، تحریم‌های ظالمانه اقتصادی، به راه انداختن موجی از ترور مردم و مسئولان به دست عناصر داخلی خود، به راه انداختن بلوا، آشوب و فتنه‌انگیزی در سال‌های مختلف که اوج آن مربوط به فتنه آمریکایی- صهیونیستی ۸۸ بود که وزیر خارجه سابق آمریکا صریحاً به دخالت دولت متبوع خود در این ماجرا اعتراف کرد.<sup>۱۲</sup> هرچند علاوه بر این اعترافات، ده‌ها شاهد دیگر مبنی بر نقش‌آفرینی آمریکا و برخی کشورهای غربی دیگر در این فتنه وجود داشت.

در هر صورت رفتارشناسی آمریکا و هم‌پیمانانش در طی این سال‌ها، حاکی از آن است که این کشورها به انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان دشمن اصلی خود نگاه می‌کنند که معنای آن این است که استکبارستیزی بخشی از راهبرد این انقلاب را تشکیل می‌دهد تا جایی که با تأامد شدن از براندازی نظام جمهوری اسلامی، حاضرند تا واقعیتی به‌نام نظام جمهوری اسلامی ایران را بپذیرند؛ به‌شرطی که نظام از رفتارهای انقلابی خود دست بردارد؛ به‌عنوان مثال یکی از اصلی ترین جناح‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا در شورای روابط خارجی این کشور به‌نام «بنیاد هرینج»، در استراتژی که یکی از بنیان‌های سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران قرار گرفته است، با اشاره به عدم امکان براندازی کوتاه‌مدت انقلاب اسلامی، هدف دراز مدت آمریکا را در قبال جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای تعدیل سیاست‌ها و رفتار انقلابی ایران اعلام نمود. در این استراتژی چنین آمده است: «انقلاب ایران خود را مستحکم کرده و مخالفان خود را در هم کوبیده تا حدی که یک انقلاب یا یک کودتا در آینده نزدیک غیرممکن است... سیاست استراتژیک آمریکا در کوتاه‌مدت، دارای اهرم‌های منفی است و در درازمدت باید ایالات متحده اهرم‌های مثبت قابل تعمیم به ایران برای تعدیل سیاست خارجی انقلابی‌اش پیشنهاد کند. آمریکا باید بکوشد با برقراری یک رابطه سازنده با ایران، این کشور را از اهداف انقلابی‌اش دور و انقلاب ایران را در همان کشور محصور کند.»<sup>۱۳</sup>

نتیجه اینکه با بررسی ماهیت‌شناسی انقلاب اسلامی، مواضع و عملکرد رهبران و سیر تحولات تاریخی انقلاب ایران و نیز رفتارشناسی استکبار جهانی، می‌توان دریافت که استکبارستیزی در کنار استبدادستیزی، همواره بخش مهمی از اصول انقلاب اسلامی ایران بوده و هست.

منبع: مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های قم

- پی‌نوشت‌ها**

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، به‌کوشش عبدالله شهبازی، ج۲، ص۲۴؛
۲. ولقد بعثنا فی کل امة رسولاً ان عبدولله واجتنبوا الطغاط، ص۱۳۶؛
۳. لَنْ یُخَفَلَ اللَّهُ لَکَ الْکَافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلاً، نساء/۱۴۱؛
۴. رک: صحیفه امام، ج۱، ص۴۹؛
۵. صحیفه امام، همان؛
۶. همان، ج۲، ص۲۷۸؛
۷. همان، ج۳، ص۴؛
۸. او به‌تأهیی یک امت بود، یادنامه شهید مظلوم بهشتی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، تهران، نشر بنیاد شهید، ص: ۲۷۶- ۲۷۵
۹. اصل ۱۵۲: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و راحق همه مردم جهان می‌شناسد. بنا بر این در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند؛
۱۱. همان، ج۱۲، ص ۲۳۳؛
۱۲. رک: خبرگزاری فارس: گزارش فارس از خاطرات کلینتون با موضوع ایران در سال ۸۸
۱۳. نشریه کیهان هوایی، ۱۲/۱۲/۱۳۶۶، به‌نقل از ارمانگ دموکراسی، صادق سلیمی‌بنی، نشر معارف، ص۳۰۱.